

نقدي بر موضع حقوق كيفري ايران در رابطه با دفاع مشروع

دکتر صادق سلیمي^۱

چکیده

دفاع مشروع یکی از عوامل توجیه کننده ی جرم است که با از بین بردن رکن قانونی جرم، توسل به زور علیه دیگری را مباح می کند. فلسفه ی وجودی دفاع مشروع، دفع هرگونه تعرض به «حق» است؛ از این رو، اصولاً موضوع مورد دفاع همواره يك «حق» است. فعلیت یا قریب الوقوع بودن و غیرقانونی بودن حمله و تناسب و ضرورت دفاع شرایط اصلی دفاع مشروع هستند. در مواد ۲-۶۱ و ۳۰-۶۲۵ قانون مجازات اسلامی مقررات دفاع مشروع آمده است. در این نوشتار به تحلیل و نقد این مواد پرداخته شده است. برخی مندرجات این مواد با يك دیگر متضادند، برخی مطالب تکراری و برخی نادرست هستند. حق توسل به زور برای جلوگیری از فرار متهم پیش بینی نشده است. اغلب دادگاه ها تمایلی به ورود در مبحث دفاع مشروع ندارند؛ از این رو رویه ی قضایی نیز در این زمینه بسیار ضعیف و ناکارآمد است. در بخش نتیجه گیری مقاله ضمن جمع بندی، پیشنهادهایی مطرح شده است.

واژه های کلیدی: دفاع مشروع، دفاع از خود، حق دفاع.

یکی از نهادهایی که در حقوق کیفری به منظور صیانت از هر گونه تعرض به حقوق افراد پیش بینی شده است، حق دفاع از خود یا «دفاع مشروع» می‌باشد. اگر مقررات مربوط به دفاع مشروع به دقت و به درستی تدوین شود و رویه‌ی قضایی نیز در هر مورد به دقت درصدد احراز آن باشد، اعمال این دفاع، خود کمک موثری به نظام قضایی و پلیسی، به منظور پیش‌گیری از تعرض به حقوق افراد و مقابله با آن، خواهد نمود. قانون‌گذار با در نظر گرفتن مصلحت جامعه، با اجتماع شرایط و اوضاع و احوال خاص، ارتکاب اعمالی را که علی‌الاصول و در شرایط عادی جرم است، جرم نمی‌شناسد و مجازات نمی‌کند. این اوضاع و احوال عواملی هستند که رکن قانونی جرم را از بین برده و آن را توجیه می‌کنند. به سخن دیگر همان قانون‌گذاری که ارتکاب عملی خاص را جرم دانسته، مقرر می‌دارد که در اوضاع و شرایط خاصی انجام آن عمل جزء وظایف یا اختیارات افراد مربوط تلقی می‌شوند و بنابراین، رکن قانونی جرم (جرم شناخته شدن عملی خاص به موجب قانون) از بین می‌رود. به این موارد در اصطلاح «عوامل توجیه‌کننده ی جرم» یا عوامل زایل‌کننده ی رکن قانونی گفته می‌شود.

دفاع مشروع به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق عوامل توجیه‌کننده جرم است که زایل‌کننده ی رکن (عنصر) قانونی جرم به شمار می‌آید. بنابراین، در صورت جمع بودن شرایط دفاع مشروع، عمل ارتكابی شخص مدافع، جرم تلقی نمی‌گردد؛ بلکه عمل مباهی است که مرتکب انجام داده و بر اساس آن، نه تنها مسئولیت کیفری به دنبال ندارد، بلکه هیچ‌گونه مسئولیت مدنی نیز به مرتکب تحمیل نمی‌گردد. زیرا مرتکب، هیچ‌گونه تخلفی از مقررات نکرده؛ بلکه در چارچوب مقرر در قانون، حق خویش را اعمال کرده است. در واقع با اعمال و اجرای صحیح دفاع مشروع، افراد جامعه، دولتمردان را در اجرای عدالت و جلوگیری از نقض مقررات و هنجارهای اجتماعی یاری می‌رسانند. بنابراین، مراجع قانون‌گذاری و قضایی باید حامی و مشوق گسترش این نهاد باشند.

با مطالعه ی قوانین مربوط، به نواقص و تعارضاتی در این زمینه بر می‌خوریم و متأسفانه رویه ی قضایی تمایل چندانی به احراز و اجرای دفاع مشروع نشان نمی‌دهد.

دفاع مشروع، نوعی توسل به زور توسط افراد جامعه در قبال سایر افراد است که در جامعه انسجام یافته ی امروزی، این یک امر استثنایی به شمار می‌آید. بنابراین، ابتدا باید فلسفه ی وجودی دفاع مشروع روشن شود؛ سپس باید مشخص گردد در قبال چه نوع تعرضاتی می‌توان دفاع کرد؛ آن‌گاه شرایط دفاع مشروع بررسی شود.

قبل از پرداختن به موارد یاد شده، لازم به تأکید است که قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی در دو مرحله، مقررات مربوط به دفاع مشروع را بیان نموده است. در سال ۱۳۷۰ مواد ۶۱ و ۶۲ را به این موضوع اختصاص داده و در سال ۱۳۷۵ مواد ۶۲ الی ۶۳۰ را به بیان مقررات دفاع مشروع معطوف نموده است. این مواد، در مواردی مکمل هم، در مواردی تکراری و در مواردی متناقض با یکدیگرند.

۱- فلسفه و مبناي حقوقي دفاع مشروع

از بدو پیدایش و خلقت بشریت، موجودیت یافتن انسان توأم با حق حیات وی بوده است و طبیعتاً تکلیف محترم شمردن این حق از جانب سایرین نیز به وجود آمده است. هرگاه این حق مورد تعرض سایرین واقع شود، شخص ذاتاً حق دفع تعرض را داشته و دارد. بر همین اساس، می‌توان ادعا کرد که اولاً حق دفاع مشروع یک حق ذاتی است؛ بدین معنی که انسان ذاتاً و ابتدائاً از این حق برخوردار بوده و کسی این حق را به او «اعطا» یا منتقل نکرده است.^۱ ثانیاً حق دفاع مشروع یک اصل است و محدودیت و ممنوعیت آن یک استثناء، و این استثناء در جایی است که عوامل حکومتی به دفع تعرض و حمله اقدام کنند. با این حال، با توجه به انسجام و سازمان یافتن جوامع بشری و تقسیم کاری که صورت گرفته، حق توسل به زور از سوی افراد جامعه به عوامل حکومتی تفویض گردیده و متقابلاً تکلیف ایجاد امنیت در همه ی ابعاد آن برای افراد جامعه، به حکومت محول گردیده است و از این رو، اصولاً حق توسل به زور فقط متعلق به حکومت است. اما هر آن که حکومت ناتوان از انجام این رسالت خود باشد، حق ذاتی دفاع از خود برای افراد جامعه محفوظ است و می‌توانند اقدام به دفع تعرضات غیرقانونی نسبت به حقوق خود کنند. بدیهی است که اولاً در مقابل هر حمله‌ای نمی‌توان دفاع کرد؛ ثانیاً خود دفاع نمی‌تواند بی‌حد و حصر باشد.

^۱ در ماده ی ۵۱ منشور سازمان ملل متحد نیز از حق دفاع ذاتی سخن به میان آمده است.

باید تاکید نمود که دفاع مشروع محدود به حق حیات نیست؛ بلکه در قبال تعرض به سایر حقوقی که در جامعه برای افراد شناخته شده است نیز، می‌توان دفاع کرد. البته در طول تاریخ دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه ابراز گردیده است.

«بنابه نظریه‌ی حقوق قدیم، عدم مجازات عنوان «عفو» داشت، و عملی که در حالت دفاع مشروع انجام می‌شد، جرم اما غیر قابل مجازات بود. برای این که تحت نفوذ اختلال اراده‌ی ناشی از حمله انجام و به محدودیت یا زایل شدن آزادی منجر شده بود؛ یعنی یک اجبار حقیقی معنوی. در این صورت، دفاع مشروع یک علت درونی ذاتی عدم مسئومات، یا به گونه‌ی دقیق‌تر، یک علت عدم قابلیت اسناد بود. بنابراین، فقط در صورتی قبول می‌شد که اجبار حقیقی معنوی وجود داشت؛ یعنی، فقط در صورت حمله به خود شخص و به شرط این که عمل مجرمانه با خونسردی واقع نشده باشد.» (استفانی و غیره، ۱۳۷۷، ص. ۴۹۷)

عقیده‌ی دوم، دفاع مشروع را عامل توجیه کننده جرم می‌داند، نه عامل عدم قابلیت اسناد. کسی که در حالت دفاع مشروع اقدام کرده است، باید اجرا کننده‌ی حق تلقی گردد. دفاع فردی، که اصولاً ممنوع است (کسی حق اجرای عدالت برای خود ندارد)، در برابر حمله‌ی نادرست ناشی از فقدان مداخله اجتماعی، مشروع می‌شود. در تعارض بین منافع حمله کننده و حمله شده، قابل احترام بودن حیات و تمامیت جسمی حمله کننده تر از حیات و تمامیت جسمی حمله شده به نظر می‌رسد.

حتی، چنین قبول شده است که با دفاع از خود، دفاع کننده تنها حقی را اجرا نمی‌کند، بلکه تکلیف عدالت را انجام می‌دهد؛ زیرا کسی که حمله‌ی نادرست را رد می‌کند برای حق و دفاع از جامعه مبارزه می‌کند. با دفاع، او حق مورد تهدید را برقرار می‌کند. هگل (Hegel) نوشته است که «حمله انکار حق است، و دفاع، انکار این انکار است، پس دفاع اجرای حق است» بر پایه این دلایل است که دفاع از شخص دیگر نیز پذیرفته شده است، اما به همین دلیل دفاع هنگامی مشروع است که حمله نادرست باشد، یعنی حمله نظم اجتماعی را به هم بزند، و اگر دفاع متناسب باشد، بدون مشوب کردن نظم، آن را برقرار می‌کند. (استفانی و سایرین، ۱۳۷۷، ص. ۸-۴۹۷)

۲- موضوع دفاع مشروع:

در این مبحث بر آنیم که روشن کنیم در قبال تعرض و حمله به چه چیزی، می‌توان دفاع کرد؟ با مطالعه‌ی تاریخیچه دفاع مشروع که در گذشته فقط دفاع در مقابل جان خود شخص پذیرفته می‌شد و مقایسه آن با نظریه‌های حقوق دانان و صاحب نظران و هم چنین قوانین جزایی فعلی که الهام گرفته از تئوری‌های جدید هستند، اهمیت این بحث روشن می‌شود.

در خصوص دفاع از مال، نه تنها در حقوق ایران، بلکه در حقوق سایر کشورها از جمله فرانسه نیز همواره اختلاف نظر در این زمینه وجود داشته است. (استفانی و سایرین، ۱۳۷۷، ص. ۹-۴۹۸)

بدیهی است چنان چه مبنای دفاع مشروع را اجبار معنوی بدانیم و معتقد باشیم که چون آزادی اراده‌ی مرتکب سلب شده، وی مجازات نمی‌شود، اصولاً فقط در قبال حمله به نفس خود شخص، وی می‌تواند به عذر دفاع مشروع استناد کند؛ اما اگر معتقد باشیم که دفاع مشروع، به منظور جلوگیری از تعرض به حقوق اشخاص و نقض قانون پذیرفته شده، می‌توان در قبال هرگونه تعرض به حق، به دفاع مشروع استناد نمود. ماده‌ی ۶۱ قانون مجازات اسلامی در این زمینه دفاع در مقابل تجاوز به نفس یا عرض و یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری، را پذیرفته است.

با روشن نمودن مفهوم هر یک از واژه‌های یاد شده، می‌توان قلمرو دفاع مشروع را مشخص کرد.

۱-۲- نفس خود یا دیگری:

منظور از نفس این است که اگر تن و جسم خود شخص یا دیگری مورد تعرض قرار گیرد، می‌توان در مقابل آن دفاع کرد. برای نمونه، اگر شخصی مورد ضرب و جرح واقع شود، می‌تواند از خود دفاع کند. باید اضافه کرد که دفاع از دیگری در صورتی جایز است که شخص مورد حمله ناتوان از دفاع بوده، نیاز به کمک داشته باشد. (تبصره ماده‌ی ۶۲ قانون مجازات اسلامی). بنابراین، چنان چه خود شخص قادر به دفاع باشد، اما تعمداً اقدام به دفاع از خود نکند، شخص ثالث نمی‌تواند به بهانه‌ی دفاع دخالت کند. هم چنین به نظر می‌رسد مجنی‌علیه باید مایل و راضی به دخالت و دفاع شخص ثالث بوده و در صورت اقتضای شرایط، لازم است استمداد نیز بکند. برای مثال، ممکن است زن و شوهری با یکدیگر اختلاف داشته و مشاجره آن‌ها منجر به درگیری فیزیکی نیز بشود؛ اما این امر را نباید مبنای قطعی برای دخالت سایر اشخاص در نزاع به منزله‌ی دفاع مشروع از یکی از زوجین، در قبال دیگری تلقی نمود. اما اگر شخص مهاجم با بستن دهان مجنی‌علیه امکان استمداد را از وی سلب کرده باشد، ضرورتی به استمداد وی نخواهد بود؛ بلکه از امارات و قرائن می‌توان نیاز وی به کمک را استنباط نمود.

از نظر لغوي واژه ي «ناموس» داراي معاني متعدد و متفاوتي هست که در فرهنگ معين ۱۸ معني براي آن ذکر شده است. از میان این معاني، «عفت، عصمت، پاکدامني» و «زنان يك خانواده وابسته به يك مرد» مي‌توانند مورد توجه قانون گذار بوده باشند. (فرهنگ معين، ۱۳۷۲، ص ۴۶۲۹) از سوي ديگر، با توجه به اين که مفهوم اول با معني «عرض» مطابقت مي‌کند، به نظر مي‌رسد منظور قانون گذار به مفهوم دوم نزديک بوده و همسر مرد مربوط، مورد نظر قانون گذار بوده است. کما اين که در عرف جامعه نيز بيش تر اين معني به ذهن تداعي مي‌شود. بنا بر اين، اگر بانوي مورد تعرض شخصي واقع شود، با اجتماع ساير شرايط، شوهر وي مي‌تواند به دفاع از همسر خود برخيزد. بديهي است که چون حق دفاع از ناموس، مستقلاً پيش بيني شده است، از اين رو، اعمال اين حق، نيازي به استمداد يا رضاييت همسر ندارد و اعمال اين حق حتي منوط به ناتواني زن از دفاع نيز نيست.

لازم به ذکر است که برخي، دامنه ي مفهوم واژه ي «ناموس» را گسترش داده، اظهار نظر کرده‌اند: «در زبان مردم، حرمت اخلاقي خود انسان، پدر و مادر و همسر، برادران و خواهران و اولاد، ناموس شخصي تلقی مي‌شود. به اين ترتيب چنان چه شخصي از طريق اعمال منافي عفت درصدد تجاوز به اين حرمت اخلاقي برآيد و در اثناي اين عمل از طرف شخصي که ناموسش در معرض تجاوز است مورد قتل، ضرب و جرح و يا اعمال مجرمانه ديگر قرار گيرد، جرمي که عليه او صورت گرفته مستوجب دفاع کننده نخواهد بود.» (دکتر صانعي، ۱۳۷۴، ص. ۱۹۶) اما به نظر مي‌رسد در خصوص ساير نزديکان شخص (از قبيل برادر و پدر و ...) صرفاً به استناد دفاع از نفس يا عرض ديگري مي‌توان دفاع کرد.

نويسنده ياد شده در خصوص نسبي بودن مفهوم ناموس حسب جوامع و اماکن مختلف اين گونه توضيح مي‌دهد: «بايد توجه داشت که «تجاوز به ناموس» تا حدود زيادي امري اعتباري است و با توجه به آداب و رسوم و خصوصيات اخلاقي مردم هر محيط، ممکن است مصاديق مختلف داشته باشد. براي نمونه، در میان غربيان موسوم است که به رسم دوستي زنان را مي‌پوسند و از اين نظر فرقي میان دختر مجرد و زن شوهر دار نيست. بنا بر اين شخصي که به همين ترتيب بار آمده و بوسيدن زن و مرد را به عنوان نشانه يك دوستي ساده تلقی مي‌کند، و بارها همين عمل از خود او مشاهده شده است، نمی‌تواند يکي از آشنایان خود را که در شرايط عادي در حال بوسيدن زن يا خواهر اوست به عنوان اين که به ناموس او تجاوز کرده بکشد و از مجازات معاف باشد. در حالي که در میان مردم يك ده که در آن جا روابط زن و مرد تابع ضوابط و اصول ديگر است، چنان چه شوهر ي مرد ي را که در حال بوسيدن زن اوست بکشد بايد عمل او را دفاع مشروع تلقی کرد. در واقع ضابطه اين است که با توجه به عرف و عادات محل و همين طور سوابق شخصي و اجتماعي دفاع کننده محرز شود که از نظر جامعه و خود او، عمل شخص ثالث، تجاوز به ناموس او تلقی شده است.» (دکتر صانعي، ۱۳۷۴، ص. ۱۹۷)

در اين زمينه با ذکر مورد خاصي از دفاع از ناموس، بايد در اظهار نظر مطلق اين نويسنده ي محترم دابر بر اين که «چنان چه شوهر ي مرد ي را که در حال بوسيدن زن اوست بکشد بايد عمل او را دفاع مشروع تلقی کرد.» ترديد نمود؛ زيرا کشتن شخصي به اين استناد متناسب به نظر نمی‌رسد. در اين زمينه ماده ي ۶۳۰ قانون مجازات اسلامي مقرر مي‌دارد:

«هرگاه مرد ي همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبي مشاهده کند و علم به تمکين زن داشته باشد مي‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را مي‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در اين مورد نيز مانند قتل است.»

از اين ماده نکات مهمي استنباط مي‌شود: ۱- کشتن شخصي به استناد تعرض به ناموس قاعده‌اي خاص و استثنائي است و براي اجراي اين حق شرايط اين ماده بايد جمع باشند؛ ۲- فقط شوهر مجاز به اعمال اين حق است. بنا بر اين، نه تنها پدر، برادر و پسر يك زن نمی‌توانند به اين استناد زاني و زانيه را بکشند، بلکه زن نيز حق ندارد اقدام به کشتن شوهر زاني خود و زانيه بکند. ۳- شوهر فقط در صورتی مي‌تواند اين حق خود را اعمال کند که زن خود را با مرد ي در حال «زنا» ببيند. بنا بر اين، اگر آنان را در حال روبوسي يا در يك فراش ببيند، بي‌آن که در حال ارتکاب زنا باشند، مجاز به کشتن آنان نيست. بايد تأکيد کرد که اگر عمل مرتکب در اين موارد با ساير مواد و مقررات مربوط به دفاع منطبق باشد، حق دفاع شخص (شوهر) قابل اعمال است. براي نمونه، اگر شخصي به عفت و اکراه در صدد هنگ ناموس شخص يا اقارب او باشد و دفاع متوقف بر قتل مهاجم باشد، به استناد ماده ي ۶۲۹ قانون مجازات اسلامي کشتن چنين کسي مباح خواهد بود.

به نظر مي‌رسد که مبناي حقيقي دفاع مشروع از ناموس، عمدتاً حق تمتع انحصاري جنسي شوهر باشد. بر اين اساس، عدم برخورداري زوجه از چنين حقي، با توجه به حق تعدد زوجات براي زوج از نظر شرعي و قانوني، قابل توجه است.

در ماده ي ۶۳۰ استفاده از واژه «مرد اجنبي» شبهه ايجاد مي‌کند. از نظر لغوي اجنبي به معني بيگانه است. سوالي که مطرح مي‌گردد اين که اگر شوهر زن خود را با يکي از آشنایان يا بستگان نزديک خود در حال زنا

ببیند، آیا مجاز به اعمال این حق نیست؟ برای مثال، اگر زنی با برادر یا پدر خود در حال زنا باشد، شوهر وی مجاز به اعمال حق دفاع نیست؟ به سخن دیگر، آیا نزدیکان و محارم مجاز به زناهی محصنه هستند و شوهر حق اعمال دفاع را ندارد؟ به نظر می‌رسد این امر غیر منطقی بوده، نمی‌تواند مطمح نظر قانون گذار بوده باشد. چنانچه منشأ و علت ورود این واژه به قانون مشخص شود، مسأله تا حدی روشن خواهد شد. در ماده ی ۱۷۹ قانون مجازات عمومی (سابق) مقرر شده بود: «هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالی که به منزله ی وجود یک فراش است، مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آن‌ها یا هر دو شود معاف از مجازات است.» نظریه این که در این ماده به وجود زن با مرد اجنبی در یک «فراش» اشاره شده بود و چون ممکن است بانویی با محارم خود از قبیل پدر و برادر در یک فراش باشد - بی آن که عمل مجرمانه یا نامشروعی انجام دهند - و با عنایت به این که در قانون مذکور انجام عمل زنا شرط کشتن زن و مرد زانی توسط شوهر نبود، لذا ضرورت داشت که در یک فراش بودن فقط با اجانب جرم باشد. امروزه که قانون گذار به درستی جانب احتیاط را رعایت کرده و شرط این نوع دفاع مشروع را ارتکاب «زنا» دانسته است، آوردن واژه ی اجنبی زاید و بلکه اشتباه به نظر می‌رسد.

۳-۲- عرض

در فرهنگ معین برای واژه ی «عرض» این معانی آمده است: «ذات، نفس، آبرو، ناموس، شرف». (معین، ۱۳۷۲، ص ۲۲۸۹) نظر به این که «نفس» و «ناموس» به گونه ی مستقل در قانون ذکر شده، باید روی مفهوم «شرف» و «آبرو» تمرکز و تأکید نمود. بنابراین، دفاع در مقابل هتک حرمت و آبروریزی نیز، با رعایت سایر شرایط دفاع مشروع، موجه است. برای مثال، اگر کسی با اعمال منافعی عفت در صدد تحقیر دیگری برآید یا در صدد تجاوز به او باشد یا به طور مداوم به وی فحاشی نموده، نسبت‌های ناروایی بدهد، شخص می‌تواند به منظور جلوگیری از ادامه ی این اعمال مجرمانه، به دفاع مشروع متوسل گردد. دیوان عالی کشور در تأیید این نوع دفاع در رأی اصراری ۴-۱۳۷۶/۲/۱۶ اظهار داشته است: «با توجه به این که متهم ضمن اقرار به قتل اظهار داشته که شکار... (مقتول) نیمه شب در گاراژ در بسته قصد تجاوز به وی داشته و با در دست داشتن چاقو و تهدید با آن از خارج شدن او از گاراژ جلوگیری نموده و در جریان دفاع مرتکب قتل شده و محتویات پرونده نیز مؤید صحت مدافعات مشارالیه است و طبق ماده ی ۶۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، کسی که در مقام دفاع مرتکب جرم می‌شود، قابل تعقیب و مجازات نیست و بر این اساس محکومیت به قصاص نفس برخلاف قانون می‌باشد، لهذا اعتراض وارد است...»

۴-۲- مال

چنانچه از دست دادن تعادل و توازن ذهنی یا اجبار معنوی را مبنای موجه بودن دفاع مشروع تلقی کنیم، اصولاً شخص حق دفاع از مال را نخواهد داشت؛ اما نظر به این که دفاع مشروع به منزله ی حق افراد جامعه به منظور دفع تعرض تلقی می‌گردد، قانون گذار حق دفاع از مال خود و حتی مال متعلق به دیگری را در صورت استمداد صاحب مال، در قبال هرگونه عملی که حق مالکانه را مختل یا زیل نماید، پذیرفته است. بدیهی است که علاوه بر مالک، امین و کسی که مسؤولیات نگهداری مال دیگری را به عهده دارد، نیز حق دفاع از تعرض به مال را دارد. (تبصره ی ماده ی ۶۲۵ ق. م. ا.)

۵-۲- آزادی تن

انسان ذاتاً آزاد آفریده شده و به جز موارد قانونی کسی نمی‌تواند آزادی رفت و آمد و آزادی تحریک دیگری را سلب کند؛ در غیر این صورت با جمع سایر شرایط دفاع مشروع، می‌توان از چنین حقی دفاع کرد. دیوان عالی کشور در رأی اصراری ۲۹-۱۳۶۰-۲۰ ردیف ۲۰/۶۰ حتی توسل به چاقو را برای دفاع از آزادی خود و دیگری پذیرفته است: «... فرجام‌خواه پس از دستگیری و مضروب شدن متهم اصلی وسیله ی شکات خصوصی دستور آوردن طناب برای بستن و مجازات او به صحنه و با توسل به آن فرجام خواه را از معرکه خارج و خود نیز متواری می‌گردد و منظورش از ارائه ی چاقو صرفاً نجات فرجام‌خواه بوده نه تظاهر و قدرت نمایی با آن.»

به طور خلاصه می‌توان گفت: موضوعی که مورد تعرض و حمله قرار گرفته و می‌توان در قبال آن دفاع کرد، همواره یک «حق» است؛ از قبیل حق حیات، حق آزادی، حق بر کرامت بشری، حق مالکیت و مانند آن؛ بنابراین، اگر حق قانونی شخص مورد نقض و تعرض قرار گیرد، وی برای دفع چنین تعرضی می‌تواند از خود دفاع کند. هدف غایی نیز جلوگیری از تعرض افراد به هنجارهای اجتماعی و حقوق سایرین است. بر همین اساس، در ماده ی ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشری، حق دفاع مشروع و نیز حق جلوگیری از فرار متهم برای شهروندان به رسمیت شناخته شده است. در قوانین کیفری بیش تر کشورها به متوقف نمودن

ارتکاب جرم و جلوگیری از فرار متهم اشاره شده است. برای مثال، در حقوق انگلیس به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم یا دستگیری مجرمین و متهمین یا در کمک به انجام چنین اعمالی شخص می‌تواند به زور متوسل شود. بنابراین، در کنار «دفاع از خود» مسأله‌ی جلوگیری از ارتکاب جرم نیز مطرح است. (Jefferson, ۲۰۰۱, p. ۳۲۴) اما متأسفانه قانون ایران در این زمینه ساکت است.

۳- شرایط دفاع مشروع

پیش از این اشاره شد که در قبال حمله و تعرض غیرقانونی - در صورتی که قوای دولتی در دسترس نباشند یا وجود آن‌ها برای دفع حمله مؤثر واقع نشود - شخص می‌تواند به منظور دفع حمله و خطر، متوسل به زور شده و دفاع کند. بنابراین، زمانی می‌توان به دفاع مشروع با عنوان عامل توجیه‌کننده متوسل شد که اولاً حمله یا تعرض؛ ۱- فعلیت داشته باشد یا قریب الوقوع باشد، ۲- غیرقانونی باشد؛ ثانیاً دفاع؛ ۱- متناسب با حمله باشد، ۲- ضرورت داشته باشد. بنابراین، در مجموع چهار شرط برای قانونی بودن دفاع مشروع وجود دارد. در قوانین قبل از انقلاب یکی از شرایط دفاع مشروع، عدم تحریک مهاجم از سوی مدافع بود، اما این شرط در قوانین فعلی وجود ندارد.

۳-۱- فعلیت یا قریب الوقوع بودن حمله

منظور از «فعلیت حمله» یا تجاوز این است که تعرض به حقوق شخص (نفس، آزادی، عرض، ناموس، حیثیت یا مال خود یا دیگری) در حال انجام باشد. برای مثال، شخص متجاوز در حال ایراد ضرب به شخص باشد یا بر مال وی استیلاء یابد و درصدد ربودن آن باشد یا در حال انجام عمل منافی عفت به عفت باشد. مقصود از «قریب الوقوع بودن حمله» این است که عمل تجاوزکارانه در شرف وقوع باشد و تحقق آن در لحظات آتی عرفاً مسلم تلقی شود. بدیهی است که وجود دلایل و امارات یقین‌آور در زمینه‌ی قریب الوقوع بودن حمله ضروری است. برای مثال، وقتی شخصی بنزین بر روی اموال دیگری پاشیده و درصدد تهیه کبریت است تا مال دیگری را آتش بزند، می‌توان جلوی احراق را گرفت و منطقی نیست منتظر شویم وی اقدام به آتش زدن اموال کند، سپس دفاع کنیم. همچنین است در صورتی که شخص با در دست گرفتن چاقو، درصدد حمله به دیگری باشد.

با تدقیق و تأمل در این شرط، دومقوله از شمول حمله‌ی فعلی یا قریب الوقوع خارج می‌گردد: اول، حملاتی که وقوع آن‌ها کاملاً احتمالی بوده و براساس ظن و گمان یا قرآن ضعیف باشد (دفاع پیشگیرانه)؛ برای نمونه اگر نوجوانی شخص الف را تهدید کرده باشد که بعد از بزرگ شدن انتقام شدیدی از الف خواهد گرفت، این شخص نمی‌تواند پیشاپیش اقدام به دفاع از خود کند؛ چون بروز خطر حتمی و نزدیک نیست. اداره‌ی حقوقی نیز در نظریه‌ی شماره ۱۳۷۸/۸/۱-۷/۲۲۱۹ اشعار داشته است: «احتمال آبروریزی یا احتمال ضرب و جرح چه خفیف و چه شدید مجوز دفاع مشروع نمی‌باشد. تشخیص این که دفاع مشروع بوده و منطبق با مواد ۶۱ و ۶۲ لغایت ۶۲۹ ق.م.ا. می‌باشد یا خیر؟ به عهده‌ی قاضی رسیدگی کننده است.» دوم، حملاتی که واقع شده و خاتمه یافته شخص در واقع به جای دفاع، به حمله‌ی انتقام‌جویانه دست یازد. چون فلسفه‌ی دفاع مشروع، متوقف گرداندن حملات غیرقانونی است، با خاتمه یافتن این حملات، موردی برای دفاع باقی نمی‌ماند. برای مثال، اگر کسی امروز مورد حمله قرار گیرد، اما وسیله‌ی لازم برای دفاع از خود نداشته باشد، نمی‌تواند فردا با تهیه‌ی وسیله از خود دفاع کند. بدیهی است در چنین مواردی، راه نظلم در مراجع قضایی برای شخص باز است و وی می‌تواند به جای انتقام، اقدام به شکایت علیه متجاوز بکند.

۳-۲- غیرقانونی بودن حمله

در قبال حمله زمانی می‌توان دفاع کرد که حمله غیرقانونی باشد و الا در قبال اقدام قانونی نمی‌توان اقدام به دفاع از خود کرد. اگر کسی به ناروا درصدد سلب آزادی از دیگری برآید، شخص حق دفاع از آزادی خود را با توسل به زور و حتی خشونت خواهد داشت؛ اما اگر مأمور نیروی انتظامی با داشتن حکم جلب از مرجع ذی صلاح قضایی، درصدد جلب شخص باشد، شخصی که حکم جلب وی از مرجع ذی صلاح صادر شده، مجاز به دفاع از خود نیست. به همین دلیل قانون‌گذار مقاومت در برابر قوای دولتی را مجاز نمی‌شمارد؛ چون فرض بر این است که قوای دولتی در انجام وظایف خود، موازین قانونی را رعایت می‌کنند. در این زمینه ماده‌ی ۶۲ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: مقاومت در برابر قوای تأمینی و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود اما هر گاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب انله و قرائن موجود، خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد، در این صورت دفاع جایز است.

بنابراین، اگر مأموران دولت از حدود اختیارات قانونی خود فراتر رفته و به نفس، عرض یا ناموس مردم تعرض کنند، می‌توان در قبال آن دفاع کرد؛ اما در این ماده، در قبال تعرض به آزادی و مال توسط مأموران

دولتی، هیچ گونه حق دفاعی پیش‌بینی نشده است. به نظر می‌رسد در تعرض به مال (برای مثال تخریب لوازم منزل) که صرفاً جنبه ی مادی دارد، با توجه به در دسترس بودن مأموران دولتی، از نظر قانون گذار جبران خسارت امکان پذیر تلقی گردیده است و از این رو، در چنین مواردی افراد نباید شخصاً از اموال خود یا دیگری دفاع کنند؛ بلکه صاحب مال یا حافظ اموال می‌تواند با توسل به مراجع ذی صلاح قضایی و طرح دعوی (کیفری یا حقوقی)، ضمن جبران خسارت وارد شده، نسبت به تعقیب مجرمین اقدام قانونی به عمل آورد.

با مطالعه ماده ۶۲۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: مقاومت در مقابل نیروهای انتظامی و دیگر ضابطین دادگستری، در موقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشد دفاع محسوب نمی‌شود اما هر گاه اشخاص مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و بر حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آن‌ها موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا مال گردد در این صورت دفاع در مقابل آن‌ها نیز جایز است.» متوجه می‌شویم که قانون گذار ضمن تکرار محتوای ماده ی ۶۱، دفاع در قبال تعرض مأمورین دولتی به «مال» را نیز پذیرفته است. نظر به این که ماده ی ۶۲ در سال ۱۳۷۰ و ماده ۶۲۸ در سال ۱۳۷۵ تصویب شده است، تردیدی نیست که قانون لاحق حاکم بوده و در حقوق کیفری ایران، چنان چه مأموران دولتی از حدود وظایف خود خارج شده به اموال افراد تعرض کنند، می‌توان در قبال آن دفاع کرد.

در خصوص تعارضی که بین این دو ماده در خصوص تعرض مأمورین دولتی به مال و دفاع از آن، حادث شده است، سه نوع تفسیر قابل ارائه است: ۱- در سال ۱۳۷۰ ذکر واژه ی «مال» سهواً از قلم افتاده و قانون گذار در سال ۱۳۷۵ این واژه را نیز افزوده است. ۲- قانون گذار در سال ۱۳۷۰ با تحلیل مسأله و دلایل توجیهی که ذکر شد، تعمداً «مال» را بیان نکرده است، اما در سال ۱۳۷۵ سهواً این واژه نیز در ماده ۶۲۸ ذکر شده است. ۳- قانون گذار در سال ۱۳۷۰ با بررسی کارشناسانه و دلایل کافی، تعمداً تعرض به مال را در ماده ی ۶۲ پیش‌بینی نکرده، اما در سال ۱۳۷۵ با بررسیهای بیش تر و دقیق تر پی برده است که دفاع در قبال تعرض مأمورین دولت به مال نیز لازم و ضروری است و در ماده ی ۶۲۸ این واژه را گنجانده است. در حالت عادی تفسیر سوم، منطقی‌ترین تفسیر تلقی می‌گردد؛ زیرا قانون گذار اصولاً با بررسی و سنجش دقیق اقدام به وضع قانون جدید یا تغییر قوانین سابق می‌کند. اما متأسفانه در این مورد اولاً هیچ گونه مبنای حقوقی و منطقی برای افزودن واژه ی «مال» نمی‌توان یافت و ثانیاً با مطالعه ی مواد قبلی (۶۲۵ الی ۶۲۷) ملاحظه می‌گردد که قانون گذار در این مواد محتوای ماده ۶۱ را تکرار نموده است و از این رو، این شبهه ایجاد می‌شود که مقنن سال ۱۳۷۵ توجیهی به قانون قبلی نداشته است. ضمن این که در ماده ی ۶۲۸ - با این که دفاع در قبال تعرض به مال پذیرفته شده است - دفاع از «ناموس» ذکر نشده است. عدم ذکر آزادی افراد نیز توجیه منطقی و حقوقی ندارد؛ برای نمونه چگونه می‌توان پذیرفت که مأموری که برای ابلاغ احضاریه یا حتی بازرسی منزل مراجعه نموده، اقدام غیرقانونی به سلب آزادی افراد حاضر (اعم از زن و کودک) نماید و در قبال آن نتوان دفاع کرد؟!

در قبال دفاع مشروع، چون خود عملی قانونی و مشروع است، نمی‌توان دفاع مشروع نمود. اما اگر دفاع از شرایط قانونی آن خارج شود، این عمل خود نوعی تهاجم غیرقانونی است و می‌توان در قبال آن دفاع کرد. در این زمینه رویه ی قضایی ایران فقیر و ساکت است. در سال ۲۰۰۵ در قضیه ای^۱ که در محاکم انگلستان مطرح بود، متهم به دنبال اختلاف قبلی در صدد انتقام گرفتن از شخصی برآمده است. شخص اخیر و دوستانش متقابلاً با حملاتی به مراتب فراتر از حد تناسب او را مضرروب نموده و نیز در صدد دفاع از خود برآمده بود. محاکم انگلستان نظر دادند که با خروج و اکثش شخص مورد نظر و دوستانش از حد تناسب، عمل عدوانی متهم به عمل مشروع دفاعی تبدیل شده است. (Wikipedia, ۲۰۰۶)

۳-۳- تناسب دفاع با حمله

با توجه به این که علت جایز بودن دفاع مشروع، ضرورت دفع خطر و حمله ی غیرقانونی است، دفاع باید در حد دفع حمله باشد. تناسب دفاع به هیچ‌وجه به مفهوم تساوی عمل ارتكابی بین مهاجم و مدافع نیست؛ هم چنین مقصود، یکسان یا مشابه بودن وسایل مورد استفاده از جانب این دو نیست. البته، گاه وسیله ی مورد استفاده می‌تواند اماره ی خوبی در این زمینه باشد؛ برای نمونه اگر کسی در قبال یک ضرب ساده یا در قبال تعرض به مال - در شرایطی که به راحتی می‌توانسته حمله را دفع کند- به سلاح گرم متوسل گردد، می‌توان پی به عدم تناسب دفاع برد. اما ممکن است در مقابل شخصی که به علف در صدد تعرض جنسی یا سلب حیات از دیگری هست، بتوان به سلاح گرم متوسل شد؛ هر چند شخص مهاجم غیرمسلح باشد. بنابراین، در هر مورد باید احراز گردد که عمل مدافع برای دفع حمله کافی بوده یا بیش از حد نیاز بوده است.

در این زمینه بند ۱ ماده ی ۶۱ قانون مجازات اسلامی مقرر نموده است: «دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد»؛ سپس در بند ب ماده ی ۶۲۷ این مطلب چنین تکرار می‌شود: «دفاع متناسب باحمله باشد».

^۱ Rashford (۲۰۰۵) AER ۱۹۲

در بند ۲ ماده ۶۱ نیز این مفهوم با عبارتی متفاوت تکرار شده است: «عمل ارتكابي بیش از حد لازم نباشد». بدیهی است که اگر عمل ارتكابي بیش از حد لازم باشد، متناسب نخواهد بود. بنابراین، بیان عبارت یاد شده به صورت يك شرط مستقل دفاع مشروع، خالی از اشکال و ایراد نیست؛ افزون بر آن، تکرار مطلب مذکور در ماده ۶۱، در ماده ۶۲۷ فاقد وجهت است.

باید تأکید نمود که مفهوم تناسب صرفاً به امکان مرتفع نمودن خطر ناظر است. بر این اساس، اگر کسی در معرض به مال دیگری سماجت کند و متوقف نمودن این تعرض صرفاً با کشتن او ممکن باشد، کشتن چنین کسی جایز خواهد بود. از این رو، در صورتی که دفع خطر - اعم از این که خطر متوجه جان، آزادی، عرض یا ناموس خود یا دیگری یا حتی مال شخص باشد - صرفاً با کشتن متجاوز میسر باشد، قانون گذار حتی قتل عمدی را نیز مجاز شمرده است. ماده ۶۲۹ قانون مجازات اسلامی در این خصوص اشعار می‌دارد:

«در موارد ذیل قتل عمدی، به شرط آن که دفاع متوقف به قتل باشد، مجازات نخواهد داشت:

الف- دفاع از قتل یا ضرب و جرح شدید یا آزار شدید یا دفاع از هتك ناموس خود واقارب.

ب- دفاع در مقابل کسی که درصدد هتك عرض و ناموس دیگری به اکراه و عنف برآید.

ج- دفاع در مقابل کسی که درصدد سرقت و ربودن انسان یا مال او برآید.»

به هر حال، احراز تناسب دفاع با حمله يك امر موضوعی است که در هر مورد باید از جانب دادگاه احراز گردد. در حقوق کیفری کشورهای از قبیل انگلیس که محاکمات جنایی با حضور هیأت منصفه برگزار می‌گردد، احراز تناسب دفاع با تجاوز صورت گرفته، از اختیارات هیأت منصفه است. (Elliot, ۲۰۰۰, p. ۲۶۵)

دیوان عالی کشور ایران در رأی اصراری شماره ی ۲۰-۲۹/۸/۱۳۷۵ اشعار نموده است: «با توجه به محتویات پرونده نظر به این که مقدمین به حمله (مرحوم فریدون مقتول و اخوانش) سه نفر و مسلح به چوب و میله ی آهن بوده‌اند و متهم در مقابل آن ها تنها بوده و در حین نزاع فرصت مراجعه به مأمورین نیروی انتظامی را نداشته است، لذا مسؤامات وی در حد کیفر قصاص به نفس موجه نمی‌باشد و از طرفی دیگر چون متهم به احتمال وقوع درگیری آلت قتاله (چاقو) را از مدتی قبل تهیه و در اختیار داشته است، با این وصف، به لحاظ عدم تناسب دفاع مشروع نامبرده را نمی‌توان کاملاً مبرا از مسؤامات کیفری دانست.»

البته با فرض رعایت سایر شرایط دفاع مشروع، صرف تهیه چاقو به منظور دفاع مشروع، نمی‌تواند تناسب دفاع را از بین ببرد؛ از این رو، نظریه دیوان از این نظر قابل ایراد به نظر می‌رسد.

در مواردی که عمل مدافع به تشخیص دیوان عالی کشور از حد تناسب انحراف حاصل نموده و منجر به کشته شدن مهاجم شده است، دیوان عمل مرتکب را قتل شبه عمدی دانسته است. برای نمونه، در رأی اصراری ۱۸-۱۳۷۵/۸/۲۲ مقرر شده است: «استدلال دادگاه ها از جهت محکومیت متهم آقای عبدالمجید به قصاص نفس موجه نمی‌باشد، زیرا هر چند که شرایط کامل دفاع مشروع هم در پرونده امر محقق نمی‌باشد و لکن با توجه به این که عده‌ای از طایفه مرحوم غریب مقتول با توافق و تباتی قبلی به قصد انتقام جویی نیمه شب مسلح به سلاح ناربه به مزرعه مجاور محل سکونت متهم هجوم آورده و اقدام به تخریب مزرعه ذرت آن ها نموده‌اند متهم را در حدی که مستوجب مجازات قصاص نفس باشد مسؤل نمی‌دانند.»

۳-۴- ضرورت دفاع

چون توسل به زور از سوی اشخاص - با وجود حکومت و نیروهای انتظامی و نظامی وابسته به آن - امری استثنایی است، فقط در صورتی که ضرورت ایجاب کند اشخاص می‌توانند برای دفاع مشروع به زور متوسل شوند. بنابراین، منظور از ضرورت دفاع، عدم حضور مأموران دولتی یا غیرمؤثر بودن حضور آنان می‌باشد. بیش تر اوقات به خاطر عدم حضور مأموران انتظامی، شخص برای دفاع از حق خود ناچار از توسل به زور می‌گردد. اما برخی اوقات نیز ممکن است وجود مأمورین انتظامی برای دفع خطر کافی و مؤثر نباشد. مؤثر نبودن حضور نیروهای انتظامی و امنیتی ممکن است به خاطر عدم انجام وظیفه ی آنان باشد و ممکن است به خاطر ناتوانی آنان از انجام وظیفه، ضرورت دفاع توجیه شود. برای مثال، ممکن است گروهی اشرار مسلح به سلاح سرد، اقدام به حمله به تعدادی اشخاص نموده، اموال آن ها را مورد غارت قرار دهند؛ بر اثر مقاومت مأموران انتظامی حاضر، به مأموران نیز حمله‌ور شوند و مأموران به تنهایی قادر به دفع حمله و تعرض نباشند. بدیهی است که در این صورت، افراد مورد تهاجم و حتی سایر افراد، اختیار دفاع خواهند داشت.

برخی از نویسندگان، ضرورت دفاع را به این معنی دانسته‌اند که هیچ راه دیگری برای مدافع وجود نداشته باشد و مثال زده‌اند که اگر امکان فرار برای شخص مورد تعرض وجود داشته باشد، نباید دفاع کند، بلکه حتماً باید فرار کند. (دکتر افراسیابی، ۱۳۷۴، ص. ۲۵۰) قانون گذار نیز در سال ۱۳۷۵ با آوردن عبارت «... یا هرگونه وسیله آسان تری برای نجات میسر نباشد» در بند ج ماده ی ۶۲۷، این نظریه را تقویت کرده است.

اگر به فلسفه ی وجودی دفاع مشروع توجه کنیم، پی می‌بریم که اولاً تناسب دفاع ایجاب می‌کند که در صورت امکان توقف تعرض و دفع خطر به طریق قانونی، نباید مبادرت به ارتکاب جرم کنیم؛ اما با فرار شخص مورد تعرض، در واقع جلوی تعرض گرفته نمی‌شود؛ بلکه عملاً موجب تجرّی متجاوز می‌گردد. اگر دفاع مشروع را یک «حق» بدانیم، نمی‌توانیم برای شخص مورد تعرض، تکلیف فرار ایجاد کنیم. بلکه شخص ذی نفع می‌تواند در صورت تمایل و توان، حق دفاع خود را اعمال کند و یا در صورت صلاح دید، از دفاع صرف نظر کرده، فرار کند. از سوی دیگر، تکلیف فرار برای شخص مورد تعرض، نتایج غیرمنطقی به دنبال خواهد داشت. برای مثال، اگر یک نفر در وسط شهر اقدام به تهاجم به افراد متعدد بکند و نیروی انتظامی در دسترس نباشد، همه ی افراد- که ممکن است به هزاران نفر نیز برسد- با وجود امکان دفاع باید فرار کنند! و معلوم نیست چرا باید این افراد مکلف به فرار باشند!

بیان عبارت «... یا هرگونه وسیله ی آسان تری برای نجات میسر نباشد» در بند ج ماده ی ۶۲۷، نه تنها با فلسفه ی وجودی دفاع مشروع منافات دارد، بلکه با مواد قبل و بعد و روح قانون مجازات اسلامی نیز در تعارض است. واژه ی «نجات» رهانیدن جان خود شخص را به ذهن تداعی می‌کند؛ در حالی که قانون گذار خود به درستی دفاع از عرض و ناموس و «مال» خود یا «دیگری» را پذیرفته است؛ زیرا هدف اصلی، «نجات» شخص نیست، بلکه هدف متوقف نمودن تعرض است؛ از این رو، بیش تر نویسندگان به تکلیف فرار، به دیده ی تردید نگریسته‌اند. دکتر صانعی، ۱۳۷۴، ص. ۹-۲۰۸، دکتر اردبیلی، ۱۳۸۲، ص. ۳-۲۰۲، دکتر گلدوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۳۲۹)

نتیجه گیری

«دفاع مشروع» نه تنها برای تضمین حقوق فردی، بلکه هم چنین برای تضمین نظم اجتماعی ضرورت دارد و اجرای صحیح آن می‌تواند در برقراری نظم و جلوگیری از تعرض به دولتمردان کمک کند. قانون گذار ایران، اگرچه در قانون مجازات اسلامی در هر دو مقطع قانون گذاری (سال های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵) به دفاع مشروع توجه نموده و به ترتیب مواد ۶۱ و ۶۲ و ۶۲۵ الی ۶۳۰ را به این موضوع اختصاص داده است؛ اما در تدوین مواد مذکور دقت کافی به عمل نیامده است و در نتیجه، نقایص زیر در آن مشهود است:

۱- برخی مطالب تکرار شده و موجب تورم غیرلازم مقررات گردیده است و برخی مطالب غیرلازم نیز بیان شده است. در شرایطی که با تدوین دو ماده می‌توان کلیه ی مقررات را تبیین نمود، هشت ماده به این مبحث اختصاص یافته است.

۲- در مواردی مقررات یاد شده از نظر مضمون با یکدیگر در تعارض هستند.

۳- برخی مطالب نیز از قلم افتاده‌اند. که تفصیل این ایرادات در متن تشریح گردیده است.

همچنین شایسته است تمام مقررات مربوط، در باب قواعد و مقررات عمومی بیان شوند. از سوی دیگر، در حقوق کیفری ایران، حق جلوگیری از فرار متهم - که اقدامی مکمل دفاع مشروع است - برای شهروندان پیش بینی نشده است.

رویه ی قضایی در ارتباط با دفاع مشروع بسیار فقیر است. چون احراز دفاع مشروع به سبب پیچیدگی آن نیاز به بررسی و دقت بیش تری دارد، اغلب دادگاهها تمایلی به ورود در مبحث دفاع مشروع ندارند. در بیش تر پرونده هایی که دفاع مشروع مطرح است، طرفین از خدمات وکلای دادگستری برخوردار نیستند یا برخی از وکلا نیز تسلط کافی به مقررات ندارند و از این رو، اصراری بر اعمال مقررات دفاع مشروع ندارند. در مواردی نیز با وجود استناد وکلا به دفاع مشروع، دادگاه ها با بی توجهی از کنار آن می گذرند. این بی توجهی موجب شده است که نه تنها زوایای تاریک و مبهم دفاع مشروع از سوی محاکم روشن نشود، بلکه اصل قابلیت اعمال و اجرای این نهاد با شبهه مواجه شود.

بنابراین، شایسته است قانون گذار به جای مجموعاً ۸ ماده ای که برای تدوین دفاع مشروع اختصاص داده، با وضع ۲ یا ۳ ماده ی کارشناسی شده ضمن پر کردن خلاها و نارسایی های موجود، تعارضات و ابهامات را نیز برطرف کند. آخرین نکته این که ضرورت و اهمیت اعمال و اجرای دفاع مشروع باید برای دست اندرکاران به ویژه قضات تبیین و روشن شود. در نهایت، افزایش آگاهی قضات نسبت به مسایل غیرحقوقی از قبیل مباحث روان شناسی و جامعه شناسی نیز می تواند در پذیرش و اجرای دفاع مشروع مؤثر واقع شود.

الف) به زبان فارسي

- اردبيلي، محمد علي، «حقوق جزاي عمومي»، (۲ جلد)، نشر ميزان، چاپ پنجم ۱۳۸۲
- استفاني، گاستون، ژرژ لواسور، برنار بولوك، «حقوق جزاي عمومي» جلد اول، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائي، چاپ اول ۱۳۷۷
- افراسيابي، محمد اسماعيل، حقوق جزاي عمومي، جلد اول، انتشارات فردوسي، چاپ اول ۱۳۷۴
- سليمي. صادق، «چكیده حقوق جزايي عمومي» انتشارات تهران صدا، چاپ اول بهار ۱۳۸۴
- شامبياتي، هوشنگ، حقوق جزاي عمومي، (دو جلد) انتشارات مجد - ژوبين، چاپ يازدهم ۱۳۸۲،
- صانعي، پرويز، حقوق جزاي عمومي، جلد اول، انتشارات كتابخانه گنج دانش، چاپ ششم ۱۳۷۴
- گلدوزيان، ايرج، حقوق جزاي عمومي ايران، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم ۱۳۸۳
- معين، محمد، فرهنگ فارسي، مؤسسه انتشارات امير كبير
- نوربها، رضا، زمينه حقوق جزاي عمومي، انتشارات كانون وكلاي دادگستري، چاپ اول ۱۳۶۹

ب) به زبان انگليسي

- Elliot ,Catherine and Frances Quinn, Criminal Law, Longman, Third Edition, ۲۰۰۰
- Jefferson, Michael Criminal Law, Longman Fifth Edition, ۲۰۰۱
- Self-defence in English law, From Wikipedia, the free encyclopedia.(۲۰۰۶).
http://en.wikipedia.org/wiki/self-defence_in_english_law